

# چاشنیه‌ها و چالش‌های مناسبات افغانستان و ایران

« پیرامون حوادث و رویداد های سیاسی و نظامی افغانستان »

(استاد صباح)



نیروهای آمریکایی و هم‌بیماتانش پس از سقوط طالبان در جهت تأمین صلح و امنیت در افغانستان، وارد کشور شدند. حضور نظامی آمریکا و ایجاد پایگاه‌های نظامی برای درازمدت مسلماً در جهت مخالف منافع ایران بود زیرا دولت آمریکا از اصلی‌ترین دشمنان ایران محسوب می‌شود، لذا جمهوری اسلامی همواره تلاش کرده است که چالش‌هایی را برای حضور نظامی غرب بویژه آمریکا ایجاد کند.

**سحر هر پنجره فریاد می‌زد**

**طلوع نور را فریاد می‌زد**

**همین فریاد را شمع دل من**

**همه شب بر سر بیداد می‌زد.**

نثرات ایرانی همه بزرگان دانشمندان و علمای افغانستان را ایرانی مگویند. زبان دری یکی از زبانهای کهن و پرباری است که در بسیاری از ممالک به عنوان یک زبان عمده به آن تکلم منماید. حتی در بین اعراب ترکستانها و مملکت ترک زبان عثمانی و تا ترکستان شرقی (چین) این زبان شیرین مروج است. البته زیادهترین خدمات را جهت پیشرفت این زبان ترکها انجام داده اند چون غزنویان و درراس آنها سلطان محمود بزرگ سلجوقیان تیموریان (چه در هند و چه در خراسان و ترکستان) و غوربها و غیره. دوره غزنویان و بیشتر از آنها سامانیان دوره تیموریان در آسیای مرکزی و تیموریان هرات و سلجوقیان و بابریان در هند غوریان در افغانستان و هند از بهترین دوره های توسعه و تقویه و احیای زبان دری بوده است. در ایران صفویان و قاجاریان ترک زبان زبان دربارشان را ترکی ساخته بودند. صائب تبریزی همچنان که ترک زبان بود اگر دیوان ترکی نوشت دیوان فارسی دری هم به یادگار گذاشت ولی بزرگان دیگر چون امیر خسرو دهلوی و حضرت بیدل که ترک نژاد هستند دیوانهای خود را به دری نوشتند و در دوران همین خانواده و پادشاهان ترکی نه تنها زبان دری به اوج انکشاف رسید بلکه صدها کتاب در همه جهان به زبان زیبای دری نوشته شد و در حقیقت زبان دری مربوط به یک قوم و مملکت نیست و یک زبان چندین ملیتی است.

بزرگانی چون عنصر بلخی، دقیقی بلخی، رابعه بلخی، شهید بلخی، ابوعلی ابن سینای بلخی، مولانا جلال الدین بلخی، ناصر خسرو قبادیانی بلخی، ابوجعفر هندوانی، حضرت اسمعیل بخارانی، امام ابومنصور ماتریدی سمرقندی، امام ترمزی، ابوریحان البیرونی، منہاج سراج جوزجانی، حضرت میرزا عبدالقادر بیدل، مولانا اقبال لاهوری، اسدالله غالب، مولانا حسین واعظ، مولانا عبدالحق دهلوی، شاه نعمت الله ولی، امیر علشیر نوانی، مولانا عبدالرحمن جامی، خواجه عبیدالله احرار، خواجه بهاء الدین نقشبندی از بخارا، خواجه احمد یسوی، خواجه معین الدین چشتی، امیر حسین سادات

غوری، مولوی حبیب الله محقق قندهاری، میر زاهد هروی و علامه هایی زیاد و بزرگان عمده درخارج ایران متولد شده و دفن شده اند که هیچ کدام نمی توانند ایرانی به حساب روند.

اماتبايد ناديد فراموش شود که روابط ایران و افغانستان براساس مشترکات تاریخی، فرهنگ ی و مذهبی استوار بوده است. درسالهای قبل از انقلاب ایران روابط نسبتاً آرامی بین دو کشور برقرار بوده است و سران دو کشور روابط دوستانه‌ای با یکدیگر داشته‌اند. روابط خارجی ایران و افغانستان درسال‌های مختلف با فراز و فرودهایی همراه بوده، اما پیوسته درجریان بوده و هیچگاه قطع نشده است. افغانستان نزدیک به هزارکیلومتر مرزمشترک با ایران دارد، همچنین ایران گذرگاهی دریایی مهم برای افغانستان و نیزافغانستان دروازه ایران به آسیای میانه وچین به حساب می‌آید.

همچنان مجاورت افغانستان با ایران به عنوان کشوری که با آمریکا درتضاد می باشد از دید آن کشوراز دو جهت دارای اهمیت ویژه است. اول آن که می تواند به عنوان اهرم فشار علیه ایران به کار گرفته شود، دوم این که جلوگیری ازحضور ونفوذ ایران در افغانستان می تواند از حضورایران درآسیای میانه وکشورهای پارسی زبان و نیز اتصال ارضی بین ایران و چین به عنوان مخالفین مشترک آمریکا درسطح جهانی ممانعت به عمل آورد.

مرزها همیشه نقطه اختلاف کشورهای همسایه بخصوص ازمنظرحاکمیت ارضی بوده است دراین راستا مرزهای زمینی آبی ازاهمیت خاصی برای کشورهای مرزی برخورداراست بخصوص درزمان فعلی که آب ازاهمیت بسیاربالایی برخورداراست باتوجه به مصرف فزاینده آب درآینده وافزایش مصرف کشورهای فرادست رودهای مرزی دربهره برداری ازاین منابع شاهد فزونی مشاجرات هیدروپلیتیک میان ملتهاعمدتا کشورهای فرودست رودخانه ها هستیم. دریای هیرمند تنها دریایی است که به داخل ایران می آید و جنبه ی هیدروپلیتیکي دارد این دریا از زمان شکل گیری مرزهمواره روابط دوکشوررا تحت تاثیرقرار داده است نوسان جریان آب هیرمند وکاهش آب جاری به سمت سیستان ایران درصددسال گذشته همواره مشکلاتی را درروابط ایران وافغانستان درسطوح محلی و ملی بوجود آورده است.

سیاست ایران درقبال افغانستان متناسب با مقتضیات زمان دچارتحول شده است، ازآغاز تا فروپاشی حکومت های طرف دار شوروی، سیاست ایران برپایه حمایت ازمجاهدین قرارداشت ودردوره انتقال قدرت، ازسیاست تایید وحمایت از ائتلاف همه گروه های افغانی پیروی نمود، ولی با استقراردولت ربانی وتوسعه کشمکش، نزاع ورقابت وهمگرایی وواگرایی های ناپایدار بین نیروها و گروه های سیاسی وتنظیمی، سیاست ایران جهت دارشد ومتوجه حمایت ازدولت ربانی گردید که منعکس کننده واقعیتهای جامعه افغانستان نبود، بلکه متعلق به قومی، یعنی تاجیک ها که دررده دوم ترکیب ملت قرارداشتند، بود. این سیاست، ایران را به عنوان یک میانجی بی طرف ومورد اعتماد تمام یا اکثریت گروه ها، ازدورخارج کرد. سیاست ایران دراین دوره فاقد منطق ژئوپلیتیکي بود درحالی که ساختارملت وترکیب نیروهای سیاسی کشوربرائخاذ یک استراتژی ژئوپلیتیکي ازسوی ایران درقبال افغانستان را تاکید داشت و نوعی بی طرفی دررفتار ایران نسبت به گروه ها درصحنه سیاسی را طلب می کرد.

موضع عملی ایران، درحمایت جدی از دولت صنفی شده ربانی و به دنبال آن قرار دادن برخی گروه های سیاسی در مقابل خود از یک سو، و موضع ادعایی ایران در خصوص رد روش نظامی درحل بحران افغانستان ومذاکره سیاسی بین گروه ها ازسویی دیگر، باعث گردید که ایران کارایی خود را درمواجهه با بحران افغانستان از دست بدهد.

حتی سیاست ایران قادرنبود، بین دو نیروی سیاسی هزاره وتاجیک که از تجانس فرهنگی بیش تری در رابطه با ایران نسبت به سایر گروه ها برخوردار بود ومجموعاً وزن ژئوپلیتیکي برتری را در صحنه سیاسی داشت، هم آهنگی بینشی ورفتاری ایجاد نماید. به نظر می رسد ضعف بینش ژئوپلیتیکي درمعماران سیاست ایران نسبت به افغانستان، عامل مؤثری درگزینش سیاست اتخاذ شده بود وهمین امر باعث گردید که استراتژی ژئوپلیتیکي درسیاست خارجی ایران نسبت به افغانستان مغفول بماند. مشکل دیگر درموضع ایران نسبت به افغانستان، نداشتن طرحی روشن و علمی درخصوص حل بحران بود، وایران همیشه به راه حل سیاسی ازطریق ائتلاف گروه های اندیشید، درحالی که ماهیت بحران افغانستان ژئوپلیتیکي بود، نه سیاسی صرف، وکنش سیاسی در افغانستان سرشتی فضایی وقومی پیدا کرده بود و لزوماً راه حل بحران آن، جغرافیایی بود، نه سیاسی. این اشتباه را متأسفانه اکثر دولت هایی که درامورافغانستان خود را دخیل می دانند وحتى سازمان ملل متحد مرتکب می شود.

موضع سیاسی تلاش برای ایجاد ائتلاف وتقسیم قدرت بین گروه های سیاسی، به نتیجه ای نمی رسد، جزاین که بحران را در افغانستان ماندگاری نماید و علاوه برتهدید کشورهای همسایه، وضربه سنگین وجبران ناپذیری برحیات ملت مظلوم ما وارد می کند، زیرا فرض این که یک گروه سیاسی با توجه به سرشت قومی، فضایی بتواند قدرت یک پارچه را درافغانستان به دست گرفته و آرمان سیاسی مطلوب وپیونددهنده ملت را ارانه دهد بعیدبه نظر می رسد. هرچند این امکان وجود دارد که برای کوتاه مدت گروهی برگروهای یا مناطقی ازکشورچیره شود، ولی تداوم سلطه وچیرگی بسیارمشکل خواهد بود و نیروی سیاسی مغلوب یا جدید، فرایند کشمکش را دامن خواهد زد وجریان پس روی یا پیش روی گروه ها در فضای جغرافیایی ادامه خواهد یافت ودود آن به چشم مردم بی پناه وطن خواهد رفت.

ایران اوایل ورود طالبان به افغانستان به علت عدم شناسایی ماهیت واقعی طالبان واکنش قابل توجهی نسبت به طالبان نشان نداد اما پس از مدتی هنگامی که چهره حقیقی طالبان آشکار شد و افکار متحجرانه آنها نمایان شد، جمهوری اسلامی به طور جدی در صحنه تحولات افغانستان حضور یافت و حمایت‌های خود را از دولت ربانی بیش از پیش افزایش داد. بعد از حمله طالبان به کنسولگری ایران در مزار شریف و کشتن دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی تیرگی روابط ایران و طالبان به اوج خود رسید. این تیرگی روابط مدتی ادامه داشت و جمهوری اسلامی تمامی روابط خویش را با طالبان قطع کرده بود تا اینکه منافع ایران اقتضا کرد تا حدی به طالبان نزدیک شود.

ایران در مدت پنج سال سلطه طالبان هرگز آنها را برسمیت نشناخت زیرا حمایت از طالبان با اهداف و منافع مادی و معنوی ایران سازگاری نداشت، اما ایران با حدود نوسدوینجاه کیلومتر مرز مشترک با افغانستان هرگونه ناامنی و هرج و مرج در افغانستان می‌توانست تأثیر نامطلوبی بر امنیت ایران بگذارد.

پس از شش سال از حکومت طالبان آمریکایی‌ها که از حامیان اصلی طالبان بودند، احساس کردند طالبان به خواسته‌هایش توجه نکرده و نمی‌تواند منافعش را تأمین کند. با تشکیل کنفرانس بن و فشارهای غربی‌ها کرزی به عنوان رئیس جمهور دولت انتقالی افغانستان انتخاب شد. در سال دوازدهم انتخابات برگزار شد و در نهایت کرزی کاندیدای مورد حمایت آمریکا و غرب دوباره به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد و قدرت را به دست بگیرد. ایران همواره به کرزی تأکید کرده که مجاهدین در کابینه حضور گرم و فعالی داشته باشند. افغانستان ظرفیت‌های خوبی برای جذب سرمایه‌گذاری و صدور خدمات فنی و... دارد.

بطور کلی اهداف ایران در افغانستان را می‌توان چنین دانست- تأمین منافع اقتصادی سیاسی امنیتی ایران در افغانستان، از آنجا که اکنون افغانستان میدان نبرد برای کسب نفوذ در آسیای میانه است. لازم بذکر است که افغانستان حکم تکیه گاه ایران را دارد اگر این خواهان ایفای نقش و بازیگری منطقه‌ی در منطقه است علی‌الخصوص که کشورهای عربی شیدا در مقابل نفوذ ایران در یک صف گرفته اند و در صورت چرخش ایران به شرق، افغانستان حکم تکیه گاه یا سنگ زاویه یا گوشه را برای ایران دارد. در مورد منافع اقتصادی نیز باید گفت بدلائیل ذیل افغانستان خریدار خوبی برای کالاها و تولیدات ایرانی است، شباهت‌های و نزدیکی فرهنگی، تجارتي ایرن با افغانستان از ده میلیون دالر در سال دوهزار یک به پنجصد میلیون در سال دوهزارشش یک میلیارد دالر در سال دوهزارهشت افزایش پیدا کرده است.

و مبارزه با قاچاق مواد مخدر اولویت منافع ملی ایران را در رابطه با افغانستان تشکیل می‌دهد. که یک سوم تولید مواد مخدر یعنی دوهزار و پنجاه تن از خاک ایران قاچاق می‌گردد که افغانستان بیشترین تولید را در دنیا با هشت هزار و دویست تن در سال و ایران بزرگترین مصرف کننده طبق گزارش آنتونیوکوستا مدیر اجرایی برنامه ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر، برعهده دارد. اشرف غنی در سفر به ایران گفت- از جانب افغانستان یکی از وزرای کابینه برای کمیسیون همکاری‌های مشترک معرفی خواهد شد.

کمیسیون مذکور در رابطه با آماده‌سازی تهیه نقشه راه کار خواهد کرد و نقشه مذکور باید یک بسته کامل را برای تحکیم روابط میان ۲ کشور در عرصه‌های درک خطر تروریسم و نحوه مبارزه با آن، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، همکاری‌های اقتصادی و ترانزیتی، افزایش تجارت قانونی، حل مشکلات مهاجرین و همکاری در مورد آب، به طور بنیادی دربرگیرد. در بخش مهاجرت‌های اقتصادی به ایران، مسئولیت خویش را می‌پذیریم و قصد داریم در زمینه حل مشکلات مهاجرین افغانستانی در ایران به طور اساسی وارد یک بحث سازنده شویم. افغانستان به عنوان یک عضو فعال جامعه بین‌المللی با کشورهای شامل در پنج حلقه سیاست خارجی خود خواستار روابط نیک و حسنه است و به هیچ وجه روابط افغانستان با یک کشور، خطری را برای کشورهای دیگر خصوصاً کشورهای همسایه در بر نخواهد داشت.

از زمان سقوط طالبان در افغانستان، ایران همسایه‌ای نسبتاً خوبی برای کشور بوده است و در عین حال که آرامش و صلح را در مرزهای خود حفظ کرده است، بسیاری از پروژه‌های توسعه‌ی را نیز در هرات اجرا نموده است. دولت تاجیکه بیگانه‌ها برایش اجازه داده است همواره تلاش کرده است روابط دیپلماتیک خود را با ایران حفظ و تحکیم نماید؛ اگرچه مشکلی که ایران همواره با اوضاع افغانستان داشته است، حضور نیروهای غربی در این کشور بوده است. همواره ایرانی‌ها با حضور نیروهای آمریکایی در منطقه و همچنین در افغانستان به شدت مخالفت کرده اند. اگرچه دولت ایران بارها چنین موضوعی را انکار کرده است، اما موضوع ضدآمریکایی بودن و مخالفت با حضور آمریکایی‌ها در منطقه امری است که از سوی افکار عمومی در افغانستان و همچنین در آسیای مرکزی و روسیه مورد مخالفت قرار دارد و همه خواهان خروج نیروهای خارجی از این منطقه می‌باشند.

کرزی در دیدار با مسئولین آمریکایی تأکید کرد ایران متحدي ارزشمند براي افغانستان است. رئیس‌جمهور آمریکا از شنیدن اخبار این روابط از دهان کرزی عصبانی و برآشفته شد. یکی دیگر از مسائلی که سبب تقویت روابط ایران و افغانستان می‌شود این است که افغانستان دارای پیروان شیعه است طوری که دوازده درصد از مردم کشور شیعه هستند و ایران نیز به عنوان بزرگترین حامی شیعه خواهان داشتن روابط بهتر با افغانستان است. از طرف دیگر متأسفانه مدتی است که رژیم

بنیادگرای ایران برخوردارزشت و غیرانسانی را علیه مهاجرین کشورما درپیش گرفته اند. سختگیریها و برخوردهای سرکوبگرانه و فاشیستی از طرف اداره خارجی گسترش بی سابقه ی یافته است.

مسئول اموراتباع خارجی رژیم درخصوص آخرین تصمیمات اتخاذ شده در مورد وضعیت اخراج مهاجرین افغانی ازایران، می گوید: مهاجرینی که از فرصت تعیین شده برای بازگشت به کشورشان تخطی کرده اند، باید خودشان مصارفات بازگشت را در مرز دوغارون بپردازند. روزانه دو الی سه هزارنفر از طریق مرز دوغارون روانه افغانستان شده و این تصمیمات خصمانه به ۵ هزار نفر در روز افزایش خواهد یافت. درعین حال طرح ممنوعیت اسکان و اقامت و کار مهاجرین درشهرهای مرزی به اجرا گذاشته شده است.

مدیر اتباع خارجی ایران با ارائه آماروارقامی درخصوص بازگشت مهاجرین افغانی به کشورشان اعلام کرد. تاکنون ۸۵۰ هزار نفر اخراج شده اند و ازتعداد یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر باقی مانده، بقیه باید تا آخر امسال به کشورشان برگردند. وزارت داخله درآخرین بیانیه بخش اموراتباع خارجی و قیحانه می گوید- افغان های که برگه های اقامت شان تمام شده از نظر ماغیرقانونی بوده و درصورت دستگیری توسط نیروی انتظامی به عنوان مجرم به آنها برخورد خواهد شد. آنچه امروزبرعلیه دومیلیون مهاجرمظلوم ما که بیش از دو دهه است در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی زندگی می کنند، اعمال می شود، برخورد بشدت راسیستی و نژادپرستانه می باشد. متأسفانه این سیاست اساس و برخورد جمهوری اسلامی با مهاجرین افغانی در طول بیش از دو دهه بوده است.

جان و زندگی صدها هزارانسان دراثراین سیاسیت ضد بشری و راسیستی ایران با تهدید جدی روبر شده است. بازگشت و اخراج به افغانستان یعنی گرسنگی، مرگ، بی امکاناتی، زندگی نامعلوم، بدون امنیت، بدون مکتب و مهاجرین برگشته باصدها مشکل ومعضله دروطن شان روبرومیشود. براساس اخبار و گزارشات سازمانهای مدافع حقوق بشر، امنیت و جان هزاران انسان برگشته درخطر بوده و با صدها مشکل اجتماعی دست وگریبان خواهندشد. در همین حال نقض روزمره حقوق انسانی، ندادن امکانات زندگی به مهاجرین جان هزاران کودک را با خطر مرگ مواجه کرده است. جمهوری اسلامی، سازمان ملل مسنول این جنایت خواهندبود.

در برابراین سیاست راسیستی و نژاد پرستانه، دربرابر این همه سرکوب و اجحافات اعمال شده درحق به این انسانها، در برابرسیاست ضد انسانی اخراج اجباری رژیم نباید ساکت شد. نباید نظاره گر این تراژدی انسانی، این ظلم و بربریت اخندهای خداناترس ایران شد. ایران ازجانب دیگربازدوبندهای با تفکداران جنایت پیشه به شکل ازاشکال درهیزم خانه جنگی، شرارت گری، بی بندوباری و شرونیفاق پترول میباشد وطی این سه دهه جنگ ویرانگری بصورت مستقیم نقش داشته واکنون نیزمداخلات ودست اندازی های اطلاعاتی ان کشورعملاً احساس میشود.

گفته میشودازچند سال به این سو، دولت ایران چای پولی ارگ را می پردازد. این پول از زمانی که جاوید لودین رئیس دفتر کرزی بود، پرداخته می شد و از آن سال تا امروز دهها باردر رسانه های افغانستان ذکر شده است. دربارنخستی که کرزی خود را به ریاست جمهوری کاندید کرد، پول یک میلیون دالری ماهوار ایران برای مبارزات انتخاباتی اونقش مهمی داشت. درآن زمان داوود زی به عنوان سفیر به ایران فرستاده شد ومدتی درتهران ماند. بسیاری به این باوراند که اقامت داوود زی درتهران زمینه های نزدیکی او را با ایران مساعد ساخت وبعد او باردیگر به صفت رئیس دفترکرزی به کابل آمد و با آمدن او مقدارچای پولی ارگ ازیک میلیون به یک و نیم میلیون دالر بالا رفت. این پول را کرزی با دست بازبه طرفداران خود درمیان سران اقوام، رسانه ها وکمپاین های انتخاباتی به مصرف می رساند وحتی گفته می شود که در رأی اعتماد گرفتن وزرایش از ولسی جرگه نیزخرج می کرد.

اما نیویارک تایمز می نویسد که داوود زی علاوه براین که پول های ارگ را از ایرانی ها تحویل می گیرد، خود نیز بسته های کلان یورو را هروقت ازسوی سفارت ایران درکابل دریافت می نماید. این نشریه ازقول چند تنی که با کرزی ازسفر تهران برگشته، می نویسد که فدا حسین مالکی، سفیروقت ایران در کابل، با کمی تعلل در میدان هوایی تهران به طیاره رسید و درکنارداوود زی نشست و یک بسته پلاستیکی مملو ازپول یورو را به او تحویل داد و اوهم این پول ها را با خود به خانه برد. همچنان زمانی که احمدی نژاد به کابل آمد و با کرزی دیدارکرد، دو جعبه یورو را به خودبه کرزی تحویل دادوهمچنان زمزمه های شنیده میشود که مقدارپول به سپنتامحرم اسرارکرزی نیزسپرده شده است.

این که داوود زی درکاخ ریاست جمهوری حافظ منافع ایران است و به این رسوایی پول های ایران را می گیرد و بعد کوشش می کند تا برای ایران کارکند، این که داوود زی چه کارهایی برای ایران انجام داد ه تا دریدل آن برای خود و رئیس جمهورپول بگیرد، معلوم است که باید این کارها خلاف منافع ملی وموافق منافع ملی ایران باشد؛ درغیر آن ضرورت پرداخت این همه پول وجود نمی داشت.

**اشرف غنی درایران**



افغانستان و ایران به عنوان دو کشور همسایه با بیش از نود کیلومتر مرز مشترک آسیب‌پذیر به لحاظ امنیتی، نیازمند همکاری‌های امنیتی مشترک هستند، جای بحث ندارد. قاچاق مواد مخدر و ترانزیت آن هزینه‌های سنگینی را به هر دو کشور تحمیل کرده است. تروریسم و افراط‌گرایی که در شرایط جاری خاورمیانه، شمال آفریقا و جنوب آسیا را درگیر حادترین و کم سابقه‌ترین بحران امنیتی و جنگ داخلی کرده است، خطری جدی برای ثبات و امنیت این بخش حساس از دنیای اسلام است که در این بین افغانستان ضعیف‌ترین حلقه به حساب می‌آید. حضور نیروهای آمریکا و ناتو در افغانستان، ابعاد تروریسم و افراطی‌گری را گسترش داد و به نوبه خود باعث برداشتهای متفاوت شده و از اتخاذ تصمیمات هماهنگ و قاطع جلوگیری کرده است.

در چنین شرایطی مناسبترین گزینه، تبادل نظر در بالاترین سطوح سیاسی و در سطح رئیس‌ان جمهوری دو کشور همسایه است. مبارزه مشترک با تروریسم و افراط‌گرایی زمانی محقق می‌شود که کشورها مواضع یکسانی داشته باشند و در این راستا ایران و افغانستان به دلیل زبان، دین، تاریخ و منافع راهبردی و امنیتی مشترک، بیش از هر کشور دیگری در منطقه می‌توانند همکاری کنند.

سفر اشرف غنی به ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. در این خصوص پدیده‌ی به عنوان مهاجرین غیرقانونی قابل اشاره می‌باشد. توافق بر سر ثبت نام و سازماندهی این مهاجرین می‌تواند زودتر به این معضل اجتماعی پایان دهد. مبارزه با افراط‌گرایی جدا از عزم منطقه‌ی، انتظاری است که ایران همواره از همسایه شرقی خود داشته است. افغانستان در این سال‌ها، نتوانسته از کشت مواد مخدر در کشورش جلوگیری به عمل آورد. مبارزه با کشت مواد مخدر درخواستی است که دولت ایران از اشرف غنی دارد. مبارزه با مواد مخدر و افراط‌گرایی ایجاب می‌کند، دو کشور همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی بیشتری را مدنظر داشته باشند. در مجموع شرایط خاص داخلی و خارجی فعلی موجب شده که این سفر از زوایای مختلفی مورد توجه قرار گیرد.

سفر غنی به ایران زمانی صورت گرفت که حکومت جدید افغانستان از یکسو با ایالات متحده آمریکا پیمان نظامی امنیتی را امضا کرده و از سوی دیگر در جنگ عربستان سعودی و حوثی‌های یمن طرف عربستان را گرفته است. بنا در چنین وضعیتی نسبت به عملی شدن توافقات دو کشور در عرصه تامین امنیت و مبارزه با تروریسم کمتر میتوان خوشبین بود، با وجودی که برخی توافقات روی همکاری‌های دو کشور در زمینه‌های مبارزه علیه تروریسم و مشکلات مهاجرین و برخی مسایل اقتصادی مطرح شده است.

رئیس‌جمهور ایران در نشست مطبوعاتی مشترک با رئیس‌جمهور افغانستان گفته است، هر دو کشور باید همکاری‌های اطلاعاتی‌شان را در زمینه مبارزه با باندهای خطرناک بیشتر سازند. همچنان رئیس‌جمهور ایران گفت که افغانستان و ایران علاقمند اند تا همکاری‌های‌شان را در عرصه‌های اقتصاد، معادن، صنعت و تجارت گسترش دهند. ایران در حال حاضر به خاطر برنامه اتمی خود تحت تحریم کشورهای غربی و آمریکا قرار دارد و روابطش با کشورهای عربی نیز با مشکل مواجه می‌باشد، این یک امر عادی است که این کشور می‌خواهد با مطرح کردن این گونه همکاری‌ها روابطش را با افغانستان و کشور‌های آسیای میانه برقرار نماید.

اما آنچه افغانستان باید از آن سود ببرد تنها شرایطی است که به اثر درگیری‌های منطقه‌ی وجهانی ایران پیش آمده و این کشور در صدد ایجاد روابط اقتصادی با افغانستان شده است. در مقابل رئیس‌جمهور افغانستان در این سفرش گفته است که ما می‌خواهیم تا مهاجرین افغان ثبت و راجستر شوند تا زمینه برگشت مرحله وار، تدریجی و داوطلبانه آنان به کشورشان آماده گردد. صرف نظر از بازی‌های سیاسی، ایران در بخش اقتصادی، تبادل تجارب علمی - تحقیقی و فرهنگی می‌تواند با افغانستان همکاری‌های خوبی داشته باشد، از جمله بندر چابهار ایران یک معبر خوب و اختصاصی برای مارکیت افغانستان می‌باشد که پاکستان را از تک تازی بازمی‌دارد. هرگونه پیشرفت ترانزیتی میان دو کشور به

نفع هردو کشور می باشد. به همین شکل ایران میتواند راه خوب خط آهن افغانستان به ترکیه و اروپا و امریکا باشد. در رابطه به خط آهن میان ایران و افغانستان رئیس جمهور ایران صحبت کرده است و بستگی دارد که افغانستان از این پیش نهاد چگونه میتواند استفاده کند. ادامه دارد...